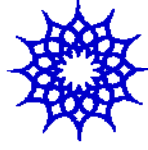


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد
زبان و ادبیات فارسی
علل و عوامل تحول شعر از سبک هندی به دوره بازگشت

استاد راهنما :

دکتر ابوالقاسم رادفر

استاد مشاور:

دکتر زهرا پارساپور

پژوهشگر :

فاطمه سنگری

مهر ۱۳۸۹

چکیده

هر چند تاکنون کتب و مقالات بسیاری درباره سبک هندی و دوره بازگشت به تحریر در آمده است، هنوز این دو دوره در بسیاری از زمینه‌ها و ابعاد، ناشناخته‌اند و میزان آثار مربوط به این دو دوره، با دیگر سبک‌ها و ادوار شعر فارسی قابل مقایسه نیست.

در این پژوهش برآنیم تا با بازکاوی دقیق و عمیق سبک هندی و دوره بازگشت، علل و عوامل تحول شعر از سبک هندی به دوره بازگشت را به شیوه‌ای علمی، تبیین و روشن کنیم. به همین منظور ابتدا به معرفی ادوار شعر فارسی و سپس بررسی ویژگی‌های سبکی هر دو دوره پرداخته‌ایم. به این ترتیب طرح پیشنهادها و زمینه‌ها، مدخلی برای ورود به بحث اصلی قرار گرفت.

در این تحقیق با نگاهی همه سو نگرانه، تحول شعر از سبک هندی به دوره بازگشت را، از چهار منظر، واکاوی و تحلیل کرده‌ایم:

۱. سیاسی - تاریخی، ۲. جامعه شناختی، ۳. ادبی، ۴. روان شناختی.

در نتیجه روشن ساخته‌ایم که عناصر مهمی چون: تغییر حکومت‌ها و خط مشی آن‌ها، تغییر پایگاه اجتماعی شاعران و نیز جایگاه شعرخوانی، تفاوت ذائقه ایرانی و هندی، تغییر مخاطب، پیچیدگی و تعقید افراطی در شعر سبک هندی، پایان عصر مهاجرت، شیفتگی شاعران دوره بازگشت نسبت به شاعران ادوار گذشته، آرای تذکره نویسان، ناتوانی شاعران بازگشتی در ابداع طرز نو و ... از عمده‌ترین عوامل تأثیرگذار در این تحول بوده‌اند.

واژگان کلیدی: سبک هندی - دوره بازگشت - تحول سبک - علل و عوامل تحول.

۱. فرضیه‌های پژوهش:

۱. تحولات سیاسی - تاریخی از علل و عوامل مهم در تغییر سبک هندی به دوره بازگشت است.
۲. تحولات اجتماعی و فرهنگی، زمینه ساز تحول و تغییر سبک هندی به بازگشت شد.
۳. ابهام، تعقید و پیچیدگی بیش از اندازه سبک هندی، زمینه ساز گریز از این سبک و بازگشت به ساختارهای شعری پیشین است.
۴. خروج شعر از شرایط اشرافی و ورود به قلمرو مردمی زمینه ساز گرایش به سادگی و بساطت در شعر(رها کردن سبک هندی و روی آوردن به دوره بازگشت) شد.

۲. تعریف مسئله و بیان سؤال‌های اصلی پژوهش :

تغییر و تحول و گذار از یک سبک به سبک دیگر، رهاورد نیازها و ضرورت‌ها و تحولات اجتماعی، سیاسی و تاریخی است. گذار از سبک هندی به دوره بازگشت از این قاعده مستثنی نیست. بررسی علل و عوامل درونی و بیرونی این تحول موضوع اصلی این پایان نامه است. سؤال‌های اصلی این پژوهش عبارتند از:

۱. چه علل و عواملی زمینه ساز تحول شعر سبک هندی به دوره بازگشت است؟
۲. کدام علت در این تحول اساسی‌تر و تأثیرگذارتر است؟
۳. چه تفاوت‌های سبک‌شناسانه (فکری-زبانی-ادبی) میان شعر سبک هندی و دوره بازگشت وجود دارد؟
۴. کدام شخصیت‌های شعری و ادبی در این تحول تأثیر بنیادین داشته‌اند؟

۳. پاسخ اجمالی به سؤالات

همان‌طور که انتظار می‌رفت و در منابع نیز طرح شده بود در بررسی علل و عوامل تحول شعر از سبک هندی به دوره بازگشت، می‌توان چهار علت عمده و اساسی را مطرح کرد. ابتدا علل سیاسی - تاریخی که مهم‌ترین آن‌ها انقراض دولت صفوی و گورکانی و تشکیل دول جدید در ایران است. دوم علل جامعه‌شناختی که شامل تغییر جایگاه شعر خوانی شعرا و نیز تغییر ذائقه اهل ادب می‌شد. سوم علل ادبی که از میان آن‌ها تعقید و پیچیدگی شعر سبک هندی، مهم‌ترین عامل شناخته شد. در پایان علل و عواملی چون ناتوانی شاعران، شیفتگی نسبت به شخصیت‌های خاص، احساسات نوستالژیک، خستگی ذوقی و ... نیز به عنوان علل روان‌شناختی تحول مطرح شد. زنجیره‌ای از این عوامل، در کنار هم موجبات این تحول سبکی را فراهم کرد. شاعران بزرگ و پیشگام دوره بازگشت نیز در تثبیت و تداوم این تحول نقش بسزایی داشته‌اند.

۴. قلمرو پژوهش (زمانی - مکانی - موضوعی) :

این پژوهش از لحاظ تاریخی، در بر گیرنده دوره‌های تاریخی صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه در ایران و دوره گورکانی در هند است. بنابراین قلمرو جغرافیایی این پژوهش، ایران و هندوستان و قلمرو موضوعی آن سبک هندی و دوره بازگشت به عنوان دو دوره حساس در تاریخ ادبیات ایران است.

۵. پیشینه پژوهش و ضرورت انجام آن :

تاکنون هیچ تحقیق و پژوهش مستقل و قابل توجهی در تبیین و تحلیل علل و عوامل گذار از سبک هندی به دوره بازگشت صورت نگرفته و ابعاد این تحول کاویده نشده است. در زمینه سبک هندی و دوره بازگشت نیز، منابع و مآخذ اندکی تدوین و تألیف شده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. پارساپور، زهرا. ۱۳۸۵. «سبک هندی در دو حوزه ادبی ایران و هند». فرهنگ. س ۱۹. ش ۱ و ۲. پیاپی ۵۷ و ۵۸. صص ۹۳-۱۳۸.
۲. حمیدی، مهدی. ۱۳۶۴. شعر در عصر قاجار. تهران: گنج کتاب.
۳. خاتمی، احمد. ۱۳۸۵. دوره بازگشت و سبک هندی. تهران: پایا / فرهنگستان هنر.
۴. رجائی، محمدمسعود. ۱۳۸۵. طاووس سخن در آینه‌خانه. تهران: مؤسسه انتشاراتی جهان جام جم.
۵. شمس لنگرودی، محمد. ۱۳۷۵. مکتب بازگشت. چ دوم. تهران: نشر مرکز.
۶. صفوی، کورش. ۱۳۸۵. «نگاهی به چگونگی پیدایش سبک هندی در شعر منظوم فارسی». زبان و ادب. ش ۱۵. صص ۲۶-۴۱.
۷. محمدی، محمد حسین. ۱۳۷۴. بیگانه مثل معنی. تهران: میترا.
۸. مسجدی، حسین. ۱۳۸۶. «سبک بازگشت و شعر اصفهان در سده سیزدهم». مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان. دوره دوم، ش ۴۹. صص ۱۲۳-۱۳۷

در این کتب و مقالات انگشت شماری که در حوزه تبیین و تحلیل سبک هندی و دوره بازگشت وجود دارد اشاراتی کوتاه و گذرا و ناقص به علل و عوامل تحول سبکی دیده می‌شود. همین است که ضرورت پژوهش و مطالعه‌ای مستقل در این زمینه را می‌طلبد که این پایان نامه، با بررسی دقیق و علمی این دو سبک، علل و عوامل سیاسی - تاریخی، جامعه‌شناختی، ادبی و روان‌شناختی تحول را روشن و مشخص می‌سازد.

۶. هدف‌های پژوهش :

هدف از این پژوهش روشن کردن برخی از ابهام‌ها و پرسش‌های موجود در علل و عوامل تحول از سبک هندی به دوره بازگشت است و نیز تبیین و تحلیل انگیزه‌ها و عناصر مؤثر و ناگفته در

زنجیره عوامل تأثیرگذار در این تحول است. این پژوهش به برخی از نیازها در حوزه آموزش دانشگاهی پاسخ خواهد داد و منبعی برای پژوهشگران و دانشجویان خواهد شد. با توجه به تازه بودن موضوع پایان نامه و فقدان پژوهشی در این موضوع در میان پژوهش‌های ادبی، این پژوهش، پس از این می‌تواند به عنوان منبع و مرجعی کامل و دقیق محسوب شود که برای تدریس مدرسان و انجام طرح‌های مطالعاتی و پژوهشی مناسب باشد. طرح علل و عوامل تحول می‌تواند زمینه ساز و یاری‌گر پژوهش‌های بعدی برای بررسی و شناخت تحولات سبکی باشد.

۷. روش انجام پژوهش و مراحل آن:

این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و امکانات رایانه‌ای و به صورت فیش برداری (برگه نویسی) و سپس تدوین و سامان‌دهی مطالعات صورت گرفت. مطالعه منابع و مآخذ کتابخانه‌ای و فیش برداری بخش اعظم کار را شامل می‌شد. در طول انجام این پژوهش بیش از ۱۰۰ کتاب و چیزی نزدیک به ۳۰ مقاله مطالعه و بررسی شد. پس از آن تنظیم و سازمان‌دهی فیش‌ها در چند مرحله صورت گرفت و به این ترتیب نمونه ابتدایی و مقدماتی کار فراهم گشت. با تأیید اساتید و نیز اعمال پیشنهادات و اصلاحات آن‌ها، کار نگارش و تحلیل یافته‌ها به شکل کنونی انجام گرفت. تایپ و ویرایش این پژوهش نیز در چندین مرحله انجام شد.

۸. استفاده کنندگان از نتیجه پایان نامه :

- ۱- مدرسان و دانشجویان رشته‌های ادبیات و تاریخ و جامعه‌شناسی.
- ۲- پژوهشگران و نویسندگان در حوزه ادبیات به ویژه سبک هندی و دوره بازگشت.
- ۳- همه علاقه‌مندان، خوانندگان و خوانندگان این مقوله ادبی.

فهرست

فصل اوّل: ادوار شعر فارسی

- ۱-۱- سبک خراسانی ۳
- ۱-۱-۱- مختصات سبک خراسانی ۳
- ۲-۱- سبک بینابین یا سبک عهد سلجوقی ۵
- ۱-۲-۱- مختصات سبک بینابین ۶
- ۳-۱- سبک عراقی ۷
- ۱-۳-۱- مختصات سبک عراقی ۸
- ۴-۱- سبک حد واسط سبک عراقی و هندی (مکتب وقوع) ۹
- ۱-۴-۱- مختصات شعر مکتب وقوع ۱۱
- ۵-۱- سبک هندی و دوره بازگشت ۱۲
- ۶-۱- سبک حد واسط یا دوران مشروطیت ۱۲
- ۱-۶-۱- مختصات شعر دوره مشروطه ۱۳
- ۷-۱- سبک شعر معاصر ۱۴

فصل دوم: سبک هندی

- ۱-۲- مختصات سبک هندی ۲۰
- ۱-۱-۲- مختصات فکری ۲۰
- ۲-۱-۲- مختصات زبانی ۲۸
- ۳-۱-۲- مختصات ادبی ۳۲
- ۲-۲- شاعران سبک هندی ۴۲

فصل سوم: دوره بازگشت

- ۱-۳- ویژگی های شعر دوره بازگشت ۴۶
- ۱-۱-۳- مختصات فکری ۴۶
- ۲-۱-۳- مختصات زبانی ۴۸
- ۳-۱-۳- مختصات ادبی ۴۸
- ۲-۳- شاعران دوره بازگشت ۴۹

فصل چهارم: علل سیاسی - تاریخی تحول

- ۴-۱- ایران و دولت صفوی ۵۱
- ۴-۲- وضعیت ادبیات در عصر صفوی ۵۵
- ۴-۳- هند و دولت گورکانی ۶۰
- ۴-۴- وضعیت ادبیات در عصر گورکانیان هند ۶۱
- ۴-۵- دوره افشاریه و زندیه ۷۰
- ۴-۶- دوره قاجار ۷۱
- ۴-۷- وضعیت ادبیات در سه دوره افشاریه، زندیه و قاجار ۷۲
- ۴-۸- تاراج کتابخانه اصفهان ۷۶

فصل پنجم: علل جامعه شناختی تحول

- ۵-۱- محافل ادبی در ایران تا قرن دهم ۸۲
- ۵-۲- محافل ادبی ایران در عصر صفوی ۸۳
- ۵-۳- محافل ادبی هند در عصر گورکانی ۸۷
- ۵-۴- محافل ادبی در عصر افشاریه، زندیه و قاجاریه ۸۹
- ۵-۵- تفاوت ذائقه ایرانی و هندی ۹۲
- ۵-۶- پایان مهاجرت شاعران ایرانی ۹۶
- ۵-۶-۱- رنگ باختن یأس و ناامیدی شاعران ۹۸
- ۵-۷- ضعف فرهنگی جامعه عصر قاجار ۱۰۲

فصل ششم: علل ادبی تحول

- ۶-۱- پیچیدگی سبک هندی ۱۰۶
- ۶-۲- عوامل ایجاد تعقید و پیچیدگی در شعر سبک هندی ۱۱۰
- ۶-۲-۱- جست و جوی معانی بیگانه و نازک خیالی ۱۱۰
- ۶-۲-۲- تزاخم تصویر و خیال ۱۱۲
- ۶-۲-۳- ترکیب آفرینی ۱۱۴
- ۶-۲-۴- کثرت استفاده از صور خیال ۱۱۵
- ۶-۲-۵- استفاده از ردیف‌های طولانی و انتزاعی ۱۲۱
- ۶-۲-۶- ایجاز مخمل در کلام ۱۲۳
- ۶-۲-۷- بی معنی گویی ۱۲۵
- ۶-۲-۸- اندیشه محوری و معنی یابی با قوه تفکر ۱۲۶

- ۱۲۹..... ۶-۲-۹- کمال شعر در سبک قبلی
- ۱۳۱..... ۶-۲-۱۰- اظهار فضل و نمایش اقتدار
- ۱۳۴..... ۶-۲-۱۱- تلفیق دو زبان فارسی و هندی
- ۱۳۵..... ۶-۲-۱۲- مشکل پسندی
- ۱۳۶..... ۶-۳- حرکت به سمت ساده شدن زبان
- ۱۳۸..... ۶-۴- تأثیر کتب تذکره
- ۱۵۱..... ۶-۵- تفاوت دو نسل شاعران سبک هندی و دوره بازگشت

فصل هفتم: علل روان شناختی تحول

- ۱۶۰..... ۷-۱- ناتوانی شاعران در برقراری ارتباط با روزگار خویش و شناخت ظرفیت‌های شعر
- ۱۶۹..... ۷-۲- احساسات نوستالژیک و شیفتگی نسبت به شخصیت‌های خاص
- ۱۷۰..... ۷-۳- خستگی ذوقی
- ۱۷۳..... ۷-۴- مخالفت به نشانه تعهد
- ۱۷۵..... ۷-۵- اصل بازگشت به سنت‌ها
- ۱۷۸..... ۷-۶- تغییر انگیزه‌های درونی شاعر متناسب با مخاطب
- ۱۸۶..... ۷-۷- احساسات ملی گرایانه
- ۱۹۰..... نتیجه گیری
- ۱۹۴..... فهرست منابع
- ۱۹۴..... فهرست کتاب‌ها
- ۲۰۰..... فهرست نشریات
- ۲۰۱..... نمایه‌ی نام‌ها

پیشگفتار

گنجینه سخن منظوم فارسی، این دریای کرانه ناپیدای اندیشه و زیبایی، تاکنون با معیارهای گوناگون مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

یکی از پرسش‌های بزرگ پیش رو در بررسی تحولات ادبی از افول یک جریان تا طلوع جریان دیگر این است که چه می‌شود که یک سبک یا جریان ادبی کم کم یا ناگهان رنگ می‌بازد و جریان دیگری جایگزین آن می‌شود. پرسش آن است که این تحولات:

- محصول تحولات اجتماعی است؟ یعنی تغییر در ساختار زندگی و ذائقه اجتماعی سبب این تحولات شده است؟

- محصول آثار ادبی یا جریان ادبی است؟ بدین معنی که آثار ادبی دلیلی برای پایایی و زیایی خویش ندارند و در نتیجه پیوسته جای خود را به پدیده‌های تازه می‌سپارند و جریان ادبی تازه از دل جریان پیش از خود متولد می‌شود؟

- محصول ذات و حاق وجود انسانی است که با گذر زمان خسته از یک جریان، در پی یافتن فضای تازه و درانداختن طرحی نو است؟

- یا حتی محصول عناصر بیرونی، جهانی و فرا اجتماعی ناگزیر و اجتناب ناپذیر است؟

شاید بتوان برخی یا مجموعه‌ای از این عوامل را در تحول جریان‌های ادبی دخیل و مؤثر دانست، اما تردیدی نیست که این تحولات همواره بوده و تا انسان هست، ادامه خواهد یافت. ساخت گرایان برای تاریخ ادبیات سه وظیفه عمده برشمرده‌اند که یکی از آنها، تبیین همین موضوع است:

۱. مطالعه تغییرات ادبی

۲. بررسی ژانرهای ادبی هم در دوره های مختلف و هم در گذر تاریخ و شناخت روابط آنها.

۳. مشخص کردن قوانین تغییر که به گذار از یک دوره به دوره دیگر مربوط می شود. (تودورف، ۱۳۷۹: ۱۸۰)

بی شک این گونه نیست که سبک های ادبی در استحالتهای ناگهانی، بی مقدمه و یکباره پدید آمده باشند؛ بلکه در جریان تعامل با تغییرات دائمی حاکم بر دنیای مادی، ادوار گوناگون ادبی هم پدید آمده اند. تحولات ادبی را بدون تردید باید متأثر از عواملی دانست که هر یک به نحوی در پدید آمدن تحول نقش داشته اند. عوامل تاریخی و اجتماعی به عنوان عوامل محیطی، خواه نا خواه با اندیشه و عواطف انسانی سروکار دارند. علاوه بر عوامل بیرونی، عوامل درونی، اندیشه و ذوق اهل ادب، سیر طبیعی، منطقی و تدریجی تحولات را رقم می زند. در کتاب «آفاق غزل فارسی» می خوانیم:

انسان و هر چه از مادیات و معنویات که پیرامون وی قرار دارد، محکوم تطور و تحول است. طبیعت، مناسبات زندگی اجتماعی و وضع اقتصادی ملت ها، روابط انسانی افراد با یکدیگر، اندیشه ها و عواطف آدمیان، معیارهای زیبایی شناسی، رنج ها و دردها، کامرانی ها و شادی ها و انگیزه آنها، همه و همه در مسیر تاریخ، ناگزیر از پیروی ناموس تطور و دگرگونی است. (صبور، ۱۳۷۰: ۳۸۰)

در مورد ادبیات نیز همین اصل صادق است و اصل دگرگونی در شعر و نثر متأثر از علل گوناگون، است. از این رو در بررسی سیر شعر و نثر در زمان های مختلف، با انواع و گونه های متفاوت مواجه ایم. نام گذاری هر دوره تحت عنوانی خاص، نشان دهنده تمایز میان ادوار، و تغییر و دگرگونی سبک هاست. سبک های ادبی هر یک، به اقتضای شرایط زمانی، مکانی، انسانی و ... به صورتی خاص و ویژه ظهور می کنند و در برهه ای از تاریخ مورد استقبال قرار می گیرند، تا این که سبک جدید هم چون جوانه ای که از کنار درخت کهن سال می روید، اندک اندک سر بر می آورد و در پرتو آفتاب اندیشه ها می بالد و تنومند تر می شود.

اما در پیدایش سبک جدید، نباید از توجه به چند نکته مهم غافل شد. نخست آن که هر سبک ادبی خاص دوره زمانی خاص و محصول تمام عواملی است که در آن برهه تاریخی به شکل ویژه، عامل ایجاد سبک تازه شده اند. دوم آن که سبک جدید، نه به همت یک شخص، بلکه حاصل تلاش جمعی اهل ذوق و هنر است. سوم این که سبک تازه، در گذر زمان و با ایجاد افزایش یا کاهش در سبک رایج، تدریجاً شکل می گیرد. به قول شمس لنگرودی :

سبک خراسانی را نه رودکی بنیان گذاشته و نه فردوسی. بانی سبک عراقی هم نه حافظ بوده و نه مولوی. سبک وقوع را هم وحشی بافقی ایجاد نکرده است. این سبک ها به مرور و آرام آرام در آثار پراکنده چند شاعر شکل گرفته و در لحظات مناسب تاریخی ظهور نموده است. (۱۳۷۰: ۱۰)

در این میان توجه به تغییر سبک **دو** بست و جو برای شناسایی عوامل مؤثر در این تغییرات و می‌دارد تا به این ترتیب، به کشف راز و رمز تحولات ادبی و سیر آن‌ها دست یابیم. با مرور تاریخ ادبیات فارسی، می‌توانیم شاهد ظهور و بروز سبک‌های مختلف ادبی باشیم. سبک خراسانی، عراقی، هندی و سبک شعر نو معاصر، مهم‌ترین ادوار شعر فارسی را تشکیل می‌دهند.

سبک هندی بی‌تردید از سبک‌های برجسته شعر فارسی است که نه تنها در جغرافیای ایران، که در دیگر قلمروهای زبان فارسی نیز جایگاهی برجسته یافت. اما انقراض دولت صفوی، تحولات بسیاری را در ایران رقم زد که از جمله آن‌ها، تحول در فرهنگ و هنر و ادبیات بود. از این زمان به بعد، کسانی که بعدها نام پیشگامان نهضت بازگشت ادبی گرفتند، به مخالفت با سبک هندی پرداختند و آن را به دلیل فرود آوردن شعر از زبان فاخر درباری به زبان عامیانه و به اتهام فراهم آوردن اسباب انحطاط شعر، فاقد ارزش و اعتبار دانستند. اما شیوه آن‌ها هم در تقلید، کاری از پیش نبرد و حاصل کوشش آن‌ها یکی تبدیل جریان شعر فارسی به دوران و دیگر تیره و تار کردن سبک هندی بود که تا چندی پیش ادامه داشت. حتی تا روزگار ما هم به سبب وجود تذکره‌های دوره بازگشت، چهره این سبک در پرده‌ای از ابهام و ناشناختگی فرو مانده بود.

پژوهش حاضر بر آن است تا برای پاسخ به پرسش علل تحول و گذار سبک‌ها، دست کم به سبب شناسی تحول شعر از سبک هندی به دوره بازگشت (به عنوان دو دوره مطرح تا پیش از شکل‌گیری شعر معاصر) بپردازد و با نگاهی همه‌سو نگرانه، عوامل مؤثر در تحول را شناسایی و تحلیل کند.

فصول این تحقیق بر مبنای شیوه‌ای منطقی و علمی و به دور از حاشیه پردازی تنظیم و فصل اول به عنوان پیشینه و زمینه در نظر گرفته شده است. فصل دوم و سوم برای شناخت بهتر هر دو دوره و جلوگیری از تکرار مباحث و چهار فصل دیگر مستقیماً برای شناخت عوامل مؤثر در تحول، تنظیم گردیده است.

با توجه به آن که در این پژوهش، بر آنیم تا به دو دوره از ادوار تاریخ ادبیات بپردازیم، پیش از همه، باید به معرفی ادوار شعر فارسی از آغاز تاکنون اشاره می‌شد. بنابراین در فصل اول به عنوان آغازگاه پژوهش، به مرور هشت دوره اصلی شعر فارسی (بر اساس تقسیم بندی

زمانی) پرداختیم. این مرور مختصر و کوتاه سبب می شد تا در چشم اندازی کلی به سبک های ادبی و نیز ویژگی های آن ها، از سه منظر فکری، زبانی، ادبی، پرداخته و نیز جایگاه دو دوره مطرح را در این میان مشخص کنیم.

موضوع اصلی بحث یعنی سبک هندی و نیاز به بررسی همه جانبه آن، فصلی جداگانه و مستقل می طلبید. بنابراین برای شناخت بهتر مختصات اصلی و مهم و شاعران مطرح این سبک، در فصل دوم به بررسی این موارد پرداختیم.

برای متمم و تکمیل بحث، در فصل سوم نیز به همان شیوه فصل دوم، دوره بازگشت را بررسی کرده ایم.

فصل چهارم این پژوهش، نقطه آغاز طرح بحث اصلی یعنی شناخت علل و عوامل مؤثر در تحول شعر از سبک هندی به بازگشت است. در این فصل با استناد به منابع تاریخی به شناسایی و تحلیل علل سیاسی-تاریخی مؤثر در تحول پرداخته ایم.

با توجه به این که در عصر صفوی، مسایلی چون خروج شعر از دربار و ورود آن به بازار، مهاجرت شاعران ایرانی به هند، تغییر پایگاه اجتماعی شاعران و تغییر محافل ادبی و ... مطرح است، ناگزیر دامنه بحث به وادی جامعه شناسی کشیده می شود. به همین دلیل در شناخت علل تحول می بایست به زمینه ها و عوامل جامعه شناختی مؤثر در تحول اشاره می کردیم. فصل پنجم توضیح جنبه های اجتماعی مربوط و نیز تغییرات اجتماعی است که موجبات تحول شعر را از سبک هندی به دوره بازگشت فراهم آورده اند.

در فصل ششم بر آن بوده ایم تا با برانداز ویژگی های ادبی سبک هندی، برآوردی کلی از عوامل ادبی مؤثر در تحول داشته باشیم. تفاوت میان شاعران سبک هندی و دوره بازگشت و تفاوت شعر آن ها، تفاوت مخاطبان شعر در این دو دوره و نیز تأثیر کتب تذکره، در این فصل بررسی، و مورد بحث و تحلیل قرار گرفت.

در فصل پایانی از دیدگاه روان شناختی به تبیین و تحلیل علل و عوامل مؤثر در تحول شعر از سبک هندی به دوره بازگشت پرداختیم.

در انجام این تحقیق برای رعایت جانب ایجاز و اختصار، در بسیاری از موارد به اشاره ای کوتاه و گذرا، بسنده کرده و کوشیده ایم تا از تکرار و پرگویی بپرهیزیم و تنها در موارد لزوم، برای تکمیل بحث و توضیح موضوع سخن، و یا به عنوان شاهد مثال، بیت یا ابیاتی را از شاعران این دو دوره، ذکر کنیم. در غیر این صورت حجم این دفتر، چند برابر می شد.

در پایان کار برای سهولت مراجعه و مطالعه، نمایه ای از نام ها تدارک دیده شد تا راه، برای استفاده بهتر و بیشتر مراجعان و مخاطبان، هموارتر شود.

اگرچه در انجام این پژوهش کوشش شد تا ضمن تحلیل و بررسی علل و عوامل مؤثر در تحول، به بازکاوی شعر سبک هندی و دوره بازگشت نیز پرداخته شود و با نگاهی نو و علمی تمام مسایل مربوط به این دو دوره مطرح شود، اما به هر روی ناگفته پیداست که کار تمام شده نیست، بلکه در آغاز راه ایستاده‌ایم و هر آن چه در این پژوهش مطرح شده، تنها می‌تواند اندکی ما را در روشن‌تر شدن برخی از زوایای تاریک و نادیده و ناکاویده این دو دوره یاری کند. تحقیق حاضر نقطه آغازی برای پژوهش‌هایی از این دست است که می‌خواهند به تحلیل علت‌های مؤثر در تحول و تطور سبک‌های ادبی، به ویژه سبک‌های شعر فارسی، بپردازند. بی شک انجام این پژوهش، در این راه طولانی، گام کوتاهی بیش نیست.

کلام آخر این‌که اگر همت راهنمایان و مشورت استادان، بدرقه راهمان نبود، طی این طریق برای این نو سفر، دشوار و دراز می‌نمود. بجاست که مراتب قدردانی و سپاس‌گزاری خود را از راهنمایی‌های دقیق و عالمانه، ارزشمند و راه‌گشایانه استاد، دکتر ابوالقاسم رادفر و نیز ریزبینی‌های موشکافانه و هدایت‌های محققانه سرکار خانم دکتر زهرا پارساپور و تمام عزیزانی که تدارک این پایان‌نامه، و امدار حمایت و عنایت آن‌هاست، اعلام نمایم.

همواره و امدار و سپاس‌گزار استادان فرزانه‌ای هستم که در این سال‌ها برخوردار از محضرشان، غنیمت و وجودشان برای همه برکت بوده است. استادان عزیز و فرزانه دوره کارشناسی: دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، دکتر مظاهر مصفا، دکتر قیصر امین پور، دکتر محمد دهقانی، دکتر بختیار، و استادان بزرگوار دوره کارشناسی ارشد: دکتر ابوالقاسم رادفر، دکتر نجفداری و دکتر زهرا پارساپور و دکتر انصاری .

فاطمه سنگری

شهریور ۱۳۸۹

فصل اوّل

ادوار شعر فارسی

شعر فارسی با تاریخ هزار و دویست ساله^۱ خود، ادوار گوناگونی را پشت سر گذاشته است. در هر دوره شاعران بسیاری سر بر آورده‌اند که گاه شعر را به اوج آسمانی‌اش نزدیک و گاه آن را به پرتگاه ابتدال و بی‌مایگی کشانده‌اند. شعر در گذار از این فراز و فرودها، هر بار شکلی و شمایی یافته و شاعران هر بار از دریچه نگاهشان دیگرگونه به آن نگریسته‌اند. بی‌شک همین نگاه‌های متفاوت به شعر، زمینه ساز ایجاد تحول در شعر نیز شده است. روزگاری شعر را حماسی سروده‌اند و روزگاری غنایی و عاشقانه و یا عارفانه؛ روزگاری شعر را ساده پسندیده‌اند و روزگاری پر ابهام و پر ایهام؛ گاه منظوم سروده‌اند و گاه مثنوی، و چون هر بار نگاهی و جریانی به شکل خاص و پر رنگ برای مدتی رواج یافته و مورد استقبال شاعران قرار گرفته، روش‌ها و سبک‌های متفاوت به وجود آمده است. خصوصیات و ویژگی‌های خاص در هر زمان، سبب ایجاد تمایز شعر شاعران، در ادوار مختلف ادب فارسی است. با مطالعه تاریخ شعر فارسی می‌توانیم سبک‌های مختلف را در آن شناسایی کنیم و مراحل شکل‌گیری، شاعران برجسته، علل تحول سبک‌ها و ... را بررسی نماییم.

در طول تاریخ گذار و تحول شعر، معمولاً با دوره‌هایی خاص و نسبتاً مشخص - از لحاظ زمانی - مواجه‌ایم. برای تقسیم بندی و مرز بندی ادوار شاخصه‌ها و دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد. مثلاً:

- تقسیم بندی بر حسب نام افرادی که صاحب سبک و یا خود عامل پدید آمدن جریان تازه‌ای بوده‌اند؛ مانند سبک فردوسی، سبک حافظ، سبک صائب و سبک نیما.
- تقسیم بندی سبک‌ها بر اساس موضوع؛ مثلاً سبک صوفیانه، سبک تاریخی، سبک مذهبی.
- تقسیم بندی بر اساس ادوار تاریخی؛ مانند سبک عصر سامانی، سبک عصر صفوی.
- تقسیم بندی بر اساس محل شکل‌گیری سبک؛ مانند سبک خراسانی، سبک عراقی، سبک هندی.

^۱ این عدد به صورت تقریبی است.

- تقسیم بندی بر اساس مخاطبان؛ مانند سبک درباری و سبک عامیانه و
 اما از این میان یکی از رایج‌ترین انواع تقسیم‌بندی‌ها، تقسیم‌بندی بر اساس دوره‌های تاریخی است. هر چند این تقسیم‌بندی با اندکی مسامحه در نام‌گذاری سبک‌ها و رعایت مرزهای تاریخی است اما در حال حاضر - تا مطرح شدن تقسیم‌بندی جدید، دقیق و علمی‌تر- می‌توان آن را به عنوان یکی از مفیدترین و نیز روشن‌ترین طبقه‌بندی‌های رایج، مطرح کرد. بر این اساس می‌توان برای شعر فارسی از آغاز تا روزگار ما، نزدیک به هشت دوره اصلی را در نظر گرفت که برای تکمیل بحث، توضیح مختصری در معرفی هر کدام از این دوره‌ها در پی می‌آید.

۱-۱- سبک خراسانی

سبک شعر فارسی دری را از آغاز نیمه دوم قرن سوم تا پایان قرن پنجم سبک خراسانی می‌نامند. از آن‌جا که نخستین آثار نظم و نثر زبان جدید فارسی بعد از اسلام در ناحیه خراسان بزرگ پیدا شد، به سبک این آثار، خراسانی گفته‌اند. خراسان بزرگ در آن زمان شامل خراسان کنونی، افغانستان، تاجیکستان کنونی، سرزمین‌های ماوراءالنهر و ترکستان هم بود. از این رو گاهی به سبک خراسانی، سبک ترکستانی هم گفته شده است. سبک خراسانی به لحاظ تاریخی، دوران حکومت سلسله‌های طاهری و صفاری و سامانی و غزنوی را در برمی‌گیرد. از شاعران برجسته این سبک می‌توان به رودکی، فردوسی، فرخی، منوچهری، ناصر خسرو و بسیاری دیگر اشاره کرد.

۱-۱-۱- مختصات سبک خراسانی

۱-۱-۱-۱- مختصات فکری

۱. شعر این دوره، شعری شاد و پر نشاط است که روحیه تساهل و خوش باشی را تبلیغ می‌کند و از محیط‌های اشرافی و گردش و تفریح و باغ و بزم سخن می‌گوید. علت وجود این خوش باشی و نشاط را می‌توان در سه مورد خلاصه کرد:
 الف- ایرانیان باستان، غم را اهریمنی و نشاط را مبنای زندگی می‌دانسته‌اند.
 ب- در این دوران هنوز از حوادث غم‌انگیز ادوار بعد، خبری نیست و رفاه سیاسی و اقتصادی در زمان سامانیان و تا حدی غزنویان برقرار است.

ج- شاعران این دوره، به دلیل وابستگی و ارتباط با دربار، اکثر زندگانی مرفه و آرامی داشته‌اند. از ممدوحان خود صله‌های گران می‌گرفتند و از رنج‌هایی که مردم عادی داشتند، بی‌خبر بودند.

در شعر این دوره موضوعاتی از قبیل مرثیه و حکمت و موعظه و لغز و چیستان و خمیره و حماسه و غنا (تغزل) و داستان سرایی مورد توجه است، اما موضوع اصلی مدح ممدوح و سپس وصف بزم می و معشوق است و همه مهارت و اطلاعات شاعر، در خدمت این قصد اصلی، یعنی مدح قرار می‌گیرد. اما شاعران در مدیحه سرایی معتدلند و شعرشان از اغراق‌ها و گزافه‌ها به دور است.

۲. شعر سبک خراسانی، شعری واقع‌گراست که اوضاع دربارها، محیط زندگی، روابط ارباب و کنیز و غلام، تفریحات و نیز وقایع مربوط به لشکرکشی‌ها و جنگ‌ها را منعکس می‌کند. در آن از امور ذهنی و خیالی خبری نیست. شعر برون‌گرای این دوره با دنیای درون و احساسات و عواطف و هیجان‌ها و مسایل روحی سروکار ندارد؛ هرچند به وصف دقایق امور عینی توجه دارد. شعر این دوره از پند و اندرزهای عملی و ساده خالی نیست. در کتاب «سبک شناسی شعر فارسی» در این باره آمده است:

توجه به خرد و توصیه به علم آموزی، فراوان است. پندها و توصیه‌های بیشتر شاعران عاقلانه است نه عارفانه. لحن شاعر در بیان آن‌ها ملایم است و نه تند و بی‌باکانه و این نشان می‌دهد که جامعه از دیدگاه او، جامعه‌ایست نسبتاً متعادل و به دور از افراط و تفریط.

(غلام رضایی، ۱۳۸۱: ۶۱)

۳. به دلیل آشنایی شاعران با معارف پیش از اسلام، تلمیح به اسم قهرمانان و شاهان ایرانی مانند انوشیروان و زنجیر او و اعیاد و مراسمی چون نوروز و سده و بهمنجه به چشم می‌خورد. در مقابل اشاره به معارف اسلامی و حدیث و قرآن در آن کم است و آنچه که هست هم، عمیق نیست.

۴. معشوق مقام والایی ندارد و حتی گاهی مقام او پست است. معشوق گاهی مرد است و گاهی کنیز شاعر و از این رو همیشه صحبت از وصال است نه فراق. عشق‌های این دوره کاملاً زمینی است و نه آسمانی. به همین دلیل اشعار غنایی این دوران هیچ‌گاه به دل‌نوازی و پرشوری مضامین عاشقانه شاعران قرون بعد (مثلاً در سبک عراقی) نمی‌رسد.

۵. جنبه‌های عقلانی و تعادل در جنبه‌های احساسی و اغراق، چیره است. از این رو حتی مدح و هجو شاعران هم متعادل است و اغراق، مانند دوره‌های بعد در آن دیده نمی‌شود.

۶. روحیه حماسی بر اشعار این دوره حاکم است. حتی در پند و اندرز و در باب می و معشوق نیز، کلام حماسی است.

۱-۱-۲- مختصات زبانی

در طول این دوره، شعر فارسی سال‌های کودکی خود را طی می‌کرد و از این رو، هنوز در آن خبری از پیچیدگی‌ها و تصنع‌ها نبود. زبان شعر این دوره، ساده، طبیعی و روان و به دور از ابهام و تعقید است. «زبان فارسی در این دوره زبان مادری گویندگان است یعنی گویندگان این دوره برخلاف دوره‌های بعد، زبان فارسی را از روی آثار ادبی پیش از خود نمی‌آموختند.» (شمیسا، ۱۳۷۹: ۶۴)

۱-۱-۳- مختصات ادبی

در باب مختصات ادبی این دوره به طور خلاصه باید گفت که قالب شعری مسلط، قصیده است و سایر قالب‌های شعری در مقابل سلطه قصیده رنگ می‌بازند. «کهن‌ترین قصیده کامل که از شعر فارسی دری به ما رسیده، قصیده «مادر می» رودکی است.» (غلام رضایی، ۱۳۸۱: ۵۷) در این زمان بازار مدیحه سرایی گرم و شاعران به قصیده سرایی گرایش دارند. رباعی و مثنوی نیز رایج است اما غزل بر خلاف دوره‌های بعد، بسیار اندک است. شاعران از عناصر و آرایه‌های شعری و ادبی به صورت معتدل، طبیعی استفاده می‌کنند و صنایع شعری، بیشتر لفظی است نه معنوی. بی‌پیرایگی یعنی خالی بودن از صنایع بدیعی همراه با سادگی لغات و روانی ترکیب‌ها، مهم‌ترین مشخصه شعر این دوره است. به طور کلی می‌توان سبک شعر خراسانی را سبک ساده نامید، چنان‌که به نثر آن ایام هم نثر مرسل یعنی آسان و بی‌پیرایه می‌گویند.

استفاده از موازنه در این سبک رایج است. از دیگر ویژگی‌ها، وجود قافیه‌ها و ردیف‌های اغلب ساده و نیز تشبیهات مرکب حسی فراوان، در شعر شاعران این دوره است. توصیفات جزئی و دقیق به وسیله تشبیه از ویژگی‌های شعر این دوره محسوب می‌شود و شاعران به تشبیه‌های مفصل، توجه خاص دارند.

۱-۲- سبک بینابین یا سبک عهد سلجوقی

قرن ششم، قرن گذار از سبک خراسانی به سبک عراقی است. این قرن، یکی از ادوار پر تلاطم تاریخ سرزمین ماست. به دنبال همین تلاطم‌های تاریخی، موج جدیدی در ادبیات و شعر فارسی پدید

آمد. پس از این که سبک خراسانی، چیزی نزدیک به سه قرن، شیوه شعرسرایي بود، کم‌کم با تغییراتی که در اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی و فرهنگی در ایران پدید آمد، زمینه‌های تغییر در شعر نیز فراهم شد. عواملی چون اختلاط مردم خراسان و عراق، درسی شدن فارسی دری، رواج تصوف و فعالیت صوفیان، تأسیس مدارس دینی و رواج معارف اسلامی، از بین رفتن نهضت شعوبیه، عدم توجه سلجوقیان در آغاز کار به شعر و شاعری و نهایتاً جنگ‌های داخلی، سبب شد تا در قرن ششم، شعر فارسی اندک اندک به راه تازه‌ای وارد شود و تدریجاً از سادگی پیشین خود فاصله بگیرد و به دوران جوانی خود قدم بگذارد. قرن ششم، دوره‌ایست که در ابتدای آن هنوز شاعرانی به سبک کهن (خراسانی) به شعر سرایی مشغولند. اما با ظهور شاعرانی چون انوری، شعر کم‌کم به سمت سبک جدیدی متمایل می‌شود که روز به روز به سوی تکامل و توسعه پیش می‌رود. از قرن ششم به بعد، سبک خراسانی پایان می‌گیرد و پس از آن، دوران تسلط سبک عراقی است. از شاعران برجسته این قرن می‌توان به سنایی، خیام، انوری، مسعود سعد، خاقانی و نظامی اشاره کرد. ظهور چنین شاعران بزرگ و برجسته‌ای در این زمان محدود و نیز تعداد آن‌ها، نشان می‌دهد که از این پس شعر فارسی به سرعت در حال رشد و تغییر و ترقی است. در اهمیت این دوره، همین بس که بسیاری از شاعران متعلق به این سبک، زمینه‌ساز پیدایش شاعران بزرگ ادوار بعدی و شعرشان، الگوی شعرسرایي آن‌ها شد.

۱-۲-۱- مختصات سبک بینابین

۱-۱-۲-۱- مختصات فکری

اشاره به علوم مختلف (مانند نجوم، طب، تفسیر و فقه)، قرآن، حدیث، ضرب‌المثل‌های عربی، مسایل کلامی، فلسفی، حکمی، در شعر رواج می‌یابد. شاعران این دوره برخلاف دوره قبل با تاریخ پیش از اسلام و شاهان عجم مخالفند. شکایت از ممدوح، مفاخره و نازیدن به علم خود، تعصبات دینی، اشاره به جزئیات بازی نرد و شطرنج و نیز تلمیحات مسیحی و اعتقاد با جبر و ... از دیگر مختصات فکری شاعران این دوره است. به طور کلی شاعران این دوره را از لحاظ فکری می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. نخست شاعران درباری که به مدح مشغولند و گروه دوم، شاعرانی که با دیدی کاملاً عرفانی و درون‌گرایانه شعر می‌سرایند.

۱-۲-۱-۲- مختصات زبانی

در اثر توجه شاعران به زبان عربی و نفوذ آن به زبان فارسی، مهم‌ترین ویژگی شعر این دوره، افزایش تعداد لغات و اصطلاحات عربی است. به این ترتیب شعر از سادگی سبک خراسانی چه در لفظ و چه در معنا فاصله می‌گیرد و به سوی دشواری حرکت می‌کند. به سبب استمرار حکومت ترکان در ایران، واژه‌های ترکی نیز به زبان فارسی راه می‌یابد.

۱-۲-۱-۳- مختصات ادبی

در این دوره شاعران در اکثر قالب‌های شعری طبع آزمایی کرده‌اند. مثلاً خیام در رباعی، نظامی در مثنوی، انوری در قطعه و قصیده، خاقانی در قصیده و ترکیب‌بند، شعر سروده‌اند. از این رو، پرداختن به انواع شعر از لحاظ موضوع نیز رواج دارد. چون شاعران این دوره اکثر درس خوانده و مطلع به علوم زمان خویش بوده‌اند، به استفاده از صنایع بدیعی و بیانی توجه دارند. استفاده از ردیف‌های مشکل و طولانی و اوزان دوری مورد توجه شاعران است. شاعران این دوره، در مدح خود مبالغه‌آمیز سخن می‌گویند و به طور کلی شعر این دوره به سمت دشواری پیش می‌رود. به همین دلیل در بیشتر موارد فهم شعر شاعران این دوره محتاج شرح و توضیح و تفسیر است. در «سبک شناسی شعر فارسی» درباره مختصات ادبی سبک بینابین آمده است :

قرن ششم هم از نظر کثرت شاعران و هم از نظر تنوع مضامین و قدرت زبان شعر و ویژگی‌های ادبی، یکی از غنی‌ترین ادوار شعر فارسی دری است. ویژگی‌های ادبی‌ای که از دوران سامانی در شعر فارسی به تدریج پدید آمده بود و در قرن پنجم تکامل بیشتر یافته بود، در این قرن به اوج رسید. (غلام رضایی، ۱۳۸۱: ۱۰۱)

۱-۳- سبک عراقی

سبک عراقی، زاینده تحولات اجتماعی و سیاسی در ایران است. بر روی کار آمدن سلجوقیان دوره جدیدی در تاریخ ایران رقم زد که آثار آن در تمام زمینه‌ها، از جمله فرهنگ و ادبیات و به تبع آن شعر آشکار شد. در قرن ششم، با فاصله گرفتن شعر از سبک خراسانی، راه برای شکل‌گیری سبک جدیدی باز شد که پس از آن با حمله مغولان و دگرگونی کامل اوضاع اجتماعی، سبک خراسانی یکسره محو و سبک عراقی جانشین آن شد.

سبک عراقی به لحاظ تاریخی، دوره مغولان و ایلخانیان و تیموری (قرن‌های هفتم، هشتم و نهم) را در بر می‌گیرد و وجه تسمیه آن این است که بعد از مغول، کانون فرهنگی و ادبی از خراسان به عراق منتقل شد و شاعران و نویسندگان بزرگ این دوره، غالباً از شهرهای عراق عجم هستند. دو مشخصه مهم شعر سبک عراقی، یکی نفوذ و بسط عرفان و دیگری پیدا شدن و رواج غزل است. شعر فارسی در این دوره، شاهد ظهور شاعران بزرگی است که هریک به عنوان نقطه عطفی در تاریخ ادب فارسی به شمار می‌روند. شاعرانی که یکی پس از دیگری، شعر را به اوج زیبایی و کمال خود رسانده و آن را در بهترین شکل ممکن ارائه دادند. سعدی، عطار، مولانا و حافظ، شاخص‌ترین شاعران این سبک به شمار می‌روند. شاعرانی که به جرأت می‌توان آن‌ها را شاخص‌ترین چهره‌های تاریخ ادب فارسی دانست.

۱-۳-۱- مختصات سبک عراقی

۱-۱-۳-۱- مختصات فکری

در شعر عاشقانه این دوره، معشوق در اوج قرار دارد و به عبارت بهتر، معشوق چنان آسمانی و دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد که حتی گاه با معبود اشتباه می‌شود. شعر عرفانی نیز از شرع و پند و اندرز و اخلاق، یعنی آنچه در قرن ششم مرسوم بوده است، کم‌کم فاصله می‌گیرد و مسائل دیگری چون وحدت وجود، تفوق عشق بر عقل، تجلی و ظهور، در شعر مطرح می‌شود. در بین شاعران این سبک، شراب، بی‌خودی و بی‌خردی مورد ستایش قرار می‌گیرد. در این دوره، مضمون حمله به زاهد و صوفی و مسائلی از این دست بسیار دیده می‌شود.

به طور کلی باید گفت که «ادبیات این دوره برخلاف ادبیات سبک خراسانی ادبیاتی است درون‌گرا، عشق‌گرا، محزون و غیر رئالیستی، که بیش از آن که به آفاق نظر داشته باشد، به انفس نظر دارد.» (شمیسا، ۱۳۷۹: ۲۶۰) این عصر، دوره رواج عرفان و تصوف است.

۱-۱-۳-۲- مختصات زبانی

در کتاب «سبک‌شناسی شعر» درباره ویژگی‌های زبانی سبک عراقی می‌خوانیم: چهارچوب، همان چهارچوب فارسی قدیم، یعنی زبان سبک خراسانی است که بسیاری از مختصات کهن خود را بالکل از دست داده است و در عوض تا حدودی مختصات جدید یافته است و آن مقدار از مختصات سبک خراسانی هم که در آن مانده است به لحاظ بسامد با